



# انترناسیونال

## ۹۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۴ مرداد ۱۳۸۴، ۵ اوت ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

حمایت کارگران از مبارزات

مردم در کردستان

صفحه ۵

خیزش مردم در کردستان

بر مبنای اطلاعاتی های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

ما نمیگذاریم کبرا اعدام شود

سرنوشت اکبر گنجی

در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه

صفحه ۸

## فراخوان به کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران

به دفاع از مبارزات حق طلبانه مردم در شهرهای کردستان برخیزید

صفحه ۲

## به سازمان عفو بین الملل

در باره دستگیری صدها نفر در شهرهای مختلف ایران

خلیل کیوان

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب

صفحه ۲



گوشه هایی از اعتراضات اخیر مردم علیه جمهوری اسلامی در کردستان

## پیام حمید تقوایی

### به مردم آزادیخواه سندج

مردم آزاده سندج!

دیکتاتور، و آزادی زندانیان سیاسی  
تشبثات جمهوری اسلامی برای  
حاکم کردن جو ارباب و سرکوب بر  
جامعه را نقش بر آب کردید. شما  
نشان دادید جنبش انقلابی علیه رژیم  
جنایتکار حاکم نه تنها مرعوب  
نشده و عقب ننشسته است بلکه با  
قدرت و وسعتی بیش از گذشته  
ادامه دارد و به پیش میرود. خیزش  
پرشکوه شما نقطه اوجی در سیر  
جنبش انقلابی مردم ایران علیه  
جنایت پیشگان حاکم بود.

تظاهرات و خیزش قدرتمند شما  
پاسخ قاطع و کوبنده ای به  
سرکوبگریها و جنایات اخیر  
جمهوری اسلامی در مهاباد و اهواز  
و اشنویه و پیرانشهر و سایر شهرها  
بود. جمهوری اسلامی تلاش دارد  
جو نظامی و ارباب و سرکوب را بر  
کل جامعه حاکم کند، اما اکنون این  
حکومت است که از قدرت رزمنده  
شما به هراس افتاده است. شما با  
فریاد اعتراض و خشم تان، با تجمع  
و تظاهرات و درگیریهای گسترده در  
سطح شهر و با شعار آزادی و برابری،  
مرگ بر استبداد و مرگ بر

صفحه ۲

## احمدی نژاد باید دستگیر

### و محاکمه شود!

علی جوادی

رئیس مرکز پیگیری سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم!

صفحه ۸

## منصور حکمت که بود؟

سخنرانی علی جوادی در سومین سالگرد

مراسم یادبود منصور حکمت

صفحه ۳

هیچکس نباید

بخاطر ابراز عقیده و

فعالیت سیاسی اش

زندانی شود

صفحه ۷

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## فراخوان به کارگران و مردم آزادیخواه

### در سراسر ایران:

## به دفاع از مبارزات حق طلبانه مردم در شهرهای کردستان برخیزید

است. به هر درجه جمهوری اسلامی در این مبارزه بیشتر عقب رانده شود فضای اعتراضی در سراسر کشور به نفع اعتراض و انقلاب بیشتر آماده می‌شود. این مبارزات شایسته گرمترین حمایت و پشتیبانی از جانب همه مردم آزادیخواه در سراسر کشور و مردم شرافتمند در سراسر جهان است. با صدور بیانیه و قطعنامه، با نوشتن طومار و جمع آوری امضا، با تجمع و تظاهرات و اعتصابات حمایتی، با هر شکل و شیوه اعتراضی که می‌توانید از اعتراضات حق طلبانه مردم در شهرهای کردستان و از خواسته‌های فوق حمایت کنید و حکومت اسلامی را از هر سو تحت فشار قرار دهید! تنها نیروی متحد و همبسته ما می‌تواند سیاست سرکوب و میلیتاریزه کردن شهرهای بی‌باخته در کردستان را خنثی کند و جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را یک گام بزرگ به پیش براند. زنده باد انقلاب!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ مرداد ۱۳۸۴، ۴ اوت ۲۰۰۵

فرا میخوانیم. جمهوری اسلامی را باید برای تن دادن به این خوستها تحت فشار قرار داد:

- ۱- یورش و تعرض نیروهای سرکوبگر، و کشتار و ضرب و شتم و دستگیری مردم باید فوراً متوقف شود. اعتراض و تجمع و تظاهرات حق مسلم همه مردم است.
- ۲- همه نیروهای نظامی باید فوراً از شهرها خارج شوند. جای ارتش و سایر نیروهای نظامی در شهرها و خیابانها نیست.
- ۳- کلیه دستگیر شدگان در خیزشهای اخیر باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.
- ۴- آمرین و عاملین تیراندازی به مردم در سقز، مهاباد، اشنویه، سنندج و بانه و سایر شهرها باید محاکمه شوند.

**کارگران، دانشجویان، زنان، مردم مبارز ایران!**  
به مقابله با جنایات رژیم برخیزید و از مبارزه عادلانه و حق طلبانه مردم در شهرهای کردستان حمایت کنید. این مبارزات بخشی از مبارزه سراسری برای آزادی و رفاه و برابری و رهائی از شر حکومت کثیف اسلامی

در چند روز گذشته شهرهای مختلف کردستان، عرصه خیزش عمومی و اعتراضات وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی و درگیری و جنگ و گریز آنان با نیروهای سرکوبگر بود. مردم خشمگین در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی و با شعار و مطالبات حق طلبانه ای چون آزادی کلیه دستگیرشدگان این اعتراضات، محاکمه قاتلین کشتار مردم، آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی زندانیان سیاسی دست به تجمع و تظاهرات زدند و با سرکوب و وحشیانه نیروهای حکومتی روبرو شدند. جمهوری اسلامی پاسخ خواسته و اعتراضات بر حق مردم را با شلیک به آنان، به قتل رساندن و مجروح کردن تعدادی زیادی از مردم حق طلب و دستگیریهایی وسیع و اعزام نیروهای نظامی داده است، اما مبارزه و اعتراض مردم همچنان ادامه دارد. قصد رژیم میلیتاریزه کردن فضای شهرها و سرکوب و وحشیانه مردم است. نباید اجازه داد حکومت به این هدف جنایتکارانه اش برسد. ما کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران را به حمایت از مبارزات مردم شهرهای کردستان

روبرو هستند و مورد اهانت و ضرب و شتم قرار میگیرند. اسامی ۴۵ نفر از دستگیرشدگان سنندج را نیز ضمیمه این نامه میکنم و از شما تقاضا میکنم که برای اطلاع از وضعیت کلیه دستگیرشدگان و برای آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی در ایران اقدامات فوری و لازم را بعمل آورید.

**با احترام،  
خلیل گویان  
دبیر تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران**

چهارشنبه ۳ اوت ۲۰۰۵

تا کنون / اسامی ۴۵ نفر از دستگیر شدگان سنندج به دست ما رسیده است که عبارتند از:

- ۱- کیوان ملامیرزایی
- ۲- فرهاد صابری
- ۳- امید اسدی
- ۴- شاهر عبدالهی

**درد بر شما!  
زنان، مردان و جوانان آزادیخواه سنندج!**  
تظاهرات و خیزش قدرتمند شما بیانگر خشم و عصیان مردم سراسر ایران علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی است. شما علیه اختناق و فقر و بیحقوقیهای پیا خاسته اید که جنایتکاران حاکم بر مردم همه شهرهای ایران تحمیل کرده اند. مبارزه شما جزئی از مبارزه انقلابی مردم سراسر ایران و خواستهها و مطالبات شما خواست و مطالبه همه مردم است. در این حرکت اعتراضی کارگران و همه مردم آزادیخواه ایران را در کنار خود و همزم و پشتیبان خود بدانید. حزب ما با تمام توان و امکانات خود برای بسیج هر چه وسیعتر این حمایت و همبستگی خواهد کوشید.

**حمید تقوایی  
دبیر کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۰ مردادماه ۱۳۸۴، ۱ اوت ۲۰۰۵

**مردم آزاده!**  
بی شک جنایتکاران حاکم بدنبال خیزش اخیر دست به ارعاب و

## به سازمان عفو بین الملل در باره دستگیری صدها نفر در شهرهای مختلف ایران

**مسئولین محترم عفو بین الملل**  
دستگیری، زندان، شکنجه، ترور و اعدام مخالفین رژیم جمهوری اسلامی ایران، جزو ثابت زندگی مردم ایران است. هر اعتراض مردم برای احقاق حقوق پایمال شده شان و هر اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، با سببیت رژیم جمهوری اسلامی مواجه میشود. در روزهای اخیر همراه با خیزش عمومی مردم در برخی شهرهای کشور، سرکوب مردم و دستگیری معترضین نیز بسیار افزایش یافته است. این حق مردم ایران است که علیه حکومتی که ۲۶ سال سرکوب، اعدام، شکنجه، بیحقوقی و فقر و محرومیت به آنها تحمیل کرده است دست به اعتراض بزنند و آنرا نخواهند. اعتراض مردم سنندج در روز دوشنبه اول اوت به موج سرکوبها، کشتارها، دستگیری ها و برای آزادی زندانیان سیاسی با خشونت رژیم مواجه گردید. بیش از ۴۰۰ نفر از مردم سنندج که اکثراً از جوانان و حتی نوجوانان دختر و پسر زیر هیجده سال بودند را دستگیر کرده اند و به نقاط نامعلومی برده اند. امروز بیش از سی نفر از جوانان معترض در شهر سقز دستگیر شدند. طبق آمار حکومتی بیش از ۵۰ نفر در اهواز دستگیر شده اند. صدها نفر دیگر در اعتراضات حق طلبانه مردم در شهرهای تهران، مهاباد، سردشت، اشنویه و میوان و برخی شهرهای دیگر دستگیر شده اند. از وضعیت بسیاری از دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست. مردم و بویژه خانواده های دستگیر شدگان بشدت نگرانند و انتظار دارند که سازمان شما فوراً برای اطلاع از وضعیت آنها و آزادی شان اقدام نماید. کودک سیزده ساله ای که امروز بدنبال تجمع اعتراضی خانواده ها در سنندج آزاد شد مورد شکنجه قرار گرفته است. پشت این کودک در اثر شلاق کبود شده و ورم کرده است. واضح است که کلیه دستگیرشدگان با مخاطرات جدی

- 26- تیمور قبادی
- 27- خالد امجدی
- 28- هیوا حسینی
- 29- نیما فلاحی
- 30- سامان بهمن زاده
- 31- جمال علی محمد
- 32- فرید صبحانی
- 33- ایرج کنعانی
- 34- آرمان امینی
- 35- داریوش ارمند
- 36- صلاح زمانی
- 37- افشین حبیبی
- 38- حمید نفسی
- 39- افشین غریبی
- 40- وهاب علی خانی
- 41- حمید تریزینی
- 42- رویا طلوعی
- 43- شاهر سلیمی
- 44- مادح احمدی
- 45- جلال قوامی

رونوشت به مطبوعات، احزاب، سازمانها و همه مدافعین حقوق بشر

## منصور حکمت که بود؟

### سخنرانی علی جوادی در سومین سالگرد مراسم یادبود منصور حکمت

دوست دارم قبل از شروع صحبت خاطره و رازی را با شما در میان بگذارم. به هر حال تاریخ این طور شکل گرفت که بخشی از دوران پایانی زندگی منصور حکمت در مکانی گذشت که من در آن جا زندگی میکردم و منصور حکمت در آن منزل بود. اما قبل از اینکه برود در گفتگویی به من گفت که "علی من اینجا نمی میرم. به تو این قول را میدهم. اینجا این اتفاق نمی افتد." من درک نمی کردم. این چه حرفی است که میزند؟ چرا؟ در شوخی های دوستانه گاهی با تندلی گاهی بعضا با "تمسخر" میگویم که این چه حرفی است که میزنی؟ اما زمانی که رفت، بعد از اینکه اتاقی که در آن اقامت داشت خالی شد فهمیدم که چه اتفاقی افتاده است. تازه فهمیدم که چرا من دیگر نمیتوانم به آن اتاق بروم. فهمیدم که چرا میگفت اگر من اینجا بمیرم تو دیگر نمیتوانی در این منزل زندگی کنی. و وقتی که من آن اتاق را خالی کردم همه چیزش را خالی کردم. تمام متعلقات اتاق را خالی کردم. بعد از آن دیگر کمتر قدرت و یا بهتر بگویم جرئت پیدا میکردم که به آن اتاق پا بگذارم. تصویر اتاق دیگر برایم عوض شده بود. دیگر دترم نبود که ساکن قبلی آن اتاق بود. که میز تحصیلش را در گوشه ای داشت و تخت خوابش را در گوشه ای دیگر. خاطره و تصویر دیگری حاکم بر فضای اتاق بود. تخت بیمارستان بود. منصور حکمت بود در دوران پایانی زندگی و در جدال با سرطان. و بعد این نکته که یک خلاء، یک کمبود، یک گمشده، یک حفره آنجا وجود دارد. و هر وقت که به یاد منصور حکمت می افتم به آن اتاق میروم. به آن فضا میروم. به دور و بر نگاه میکنم. گویی چیزی را گم کرده ای، گم شده ای که پیدایش نمیکنی. میدانی کجاست اما پیدایش نمی کنی. هر چقدر بیشتر میگردی پیدایش نمیکنی.

از همان دوران احساس میکردم باید در باره "نادر" حرف بزنم. میخواهم این نکته را بگویم که از همان دوران ایده ای در ذهنم چرخ

میزد. دلم میخواست حقی را نسبت به "نادر" ادا کنم. و امروز فکر میکنم که آن آرزویم دارد برآورده میشود. آرزویم این نبود که در جمعی از رفقای حزبی حرف بزنم. آنها صحبت کنند، من صحبت کنم. کاری که بارها و بارها کرده ایم. نه! آرزویم این بود که بخاطر نادر در



مقابل رفقای صحبت کنم. و این امکان را داشته باشم، آن شاهین بخت روی شانه هایم بنشیند و بتوانم بگویم که من این حق را ادا کردم. و امروز خوشحالم که میتوانم بیایم در مقابل شما بگویم که "نادر که بود؟" من بر خلاف حمید تقوایی تم صحبتهایم را داشتم. از مدتها پیش داشتم. برای خودم گذاشته بودم که راجع به این صحبت کنم که نادر که بود؟

زمانیکه به این تم فکر میکردم، احساس میکردم که باید ازش فاصله بگیریم تا بتوانم بگویم نادر که بود. برای اینکه هر چه نزدیک تر میشوید ابعاد کوچک تری از یک واقعیت بزرگتر را می بینید. و فقط باید فاصله بگیرید تا بتوانید بعد را ببینید. باید بروید عقب تر تا امکان پیدا بکنید همه تصویر را ببینید. راجع به آن فکر کنید. بخوانیدش. به تاریخ برگردید. به این مجموعه برگردید تا بتوانید حق مطلب را ادا کنید. تا بتوانید بگوئید که نادر که بود؟ و این سؤال را باید به تاریخ جواب دهید که منصور حکمت که بود؟

منصور حکمت رفیقی نبود که با هم شوخی میکردیم. در جلساتش

شرکت میکردیم. به سخنرانی هایش گوش میکردیم و به هیجان می آمیدیم. منصور حکمت بیشتر از هر چیز و یا قبل از هر چیز زمانی که تاریخ به او نگاه میکند، به تلاشش به تاثیرش به شمره تلاشهایش نگاه میکند، این تاریخ چیز دیگری را به ما میگوید. میگوید که منصور



حکمت فشرده ای از یک تاریخ است. فشرده ای از یک جنبش است. اما به چه معنا؟ در تاریخ دورانهای وجود دارند، و در این دورانها چهره هایی وجود دارند که این چهره ها فشرده این تاریخ میشوند. خلاصه و بیان خود این تاریخ میشوند. چکیده خود تاریخ میشوند. گویا تاریخ و شخص در هم تنیده میشوند. در هم ادغام میشوند. گویا از هم انفکاک ناپذیرند. نمیتوانید این تاریخ و این شخص را از هم جدا کنید. نمیتوانید بگوئید که خصوصیات این جنبش در این فرد نیست. و یا اینکه خصوصیات این فرد در این جنبش نیست. گویا آن فرد یک بیان فشرده شده، نمونه وار از تاریخ زمان خودش و بیان خلاصه جنبش اجتماعی معینی در زمان خودش است. در تاریخ کمتر دورانهایی را پیدا میکنید و در دورانها شخصیتهایی که بیان فشرده تاریخ میشوند. این چنین عجیب میشوند با کل آن تاریخ و زمانیکه به او نگاه میکنید گویا خود تاریخ در جلو چشمانتان مجسم میشود. گویا در او آینده را می بینید. بنظر منصور حکمت به اعتباری برای دوران خودش "زود" بود. منصور حکمت مانند آن

نوابغی بود که در دوران زندگی خودشان به تمام اثرات و ثمراتی که وجودشان بجا گذاشت دست پیدا نکردند. شاهد تمامی ثمرات کارشان نبودند. آنکه آن دوران، آن تاریخ، آن لحظه، سهمش را، حقش را ادا نکرد، آنظوری که باید میکرد. واقعیت این است که منصور حکمت متعلق به تاریخ آینده اش بود.

مارکس میگوید انسانها تاریخ را میسازند. اما در شرایطی که برایشان به ارث رسیده است. یعنی در انتخاب شرایط مختار نیستند. شرایط داده شده است. بنظر برای اینکه به این سؤال پاسخ دهیم که "منصور حکمت که بود؟" باید به آن تاریخ رجوع کنیم. آن تاریخ را گرفت، کمی درش کنکاش کرد و دید آن تاریخ چه بود؟ بنظر تاریخی بود که در دوران نقطه عطفها شاید بتوان نامش را تاریخ نقطه عطفها گذاشت. اگر تاریخ چند ده ساله را بررسی کنیم، تاریخی بود که جنبشهایی به انتهای خودشان میرسند. جنبشهای غیر کارگری، غیر کمونیستی که به انتها میرسند. اوج خودشان را از سر گذرانده بودند. دوران افول شان بود. مثل هر پدیده زوال پذیر دیگری که آغاز میکند، رشد میکند، به اوج میرسد و بعد افول میکند. این جنبشها دوران افول خودشان را طی میکردند. و این جنبشهای اجتماعی غیر کارگری بودند که به انتها، به دوران افول خودشان رسیده بودند. از جنبشهای "ضد امپریالیستی" کشورهای به اصطلاح جهان سوم گرفته تا جنبش سوسیال دمکراسی تا حتی بن بست و شکست بلوک شرق. همه این جنبشها در یک مقطع تاریخی معین به پایان خط خود رسیده بودند. دوران تحولات "خیزه کننده ای" بود.

کمتر در تاریخ دورانهایی وجود دارد که جنبشهای متعددی که در زندگی و تلاش جامعه نقش داشتند در یک

مقطع تاریخی معین همه با هم به یک بن بست و به یک انتها برسند. گویا تاریخ دارد از تونلی رد میشود. تونلی که در آن وقایع فشرده میشود و تحولات سیر و شتاب فزاینده ای بخود میگیرند. مثل اینکه یک مجرای عظیم و یک جریان عظیم را در یک لوله باریک کرده اند و می بینید که جریان تغییرات با چه فشاری از آن طرف به بیرون سرازیر میشود. منصور حکمت در این مقطع تاریخی قرار داشت. در این شرایط مسیری معمولی نا روشن است. جهت تحولات روشن نیست.

به قول خودش انگار که بمب لجنی را پرتاب کرده بودند که تشخیص چهره آدمها از انسانها بسادگی ممکن نبود. لجن به همه جا پرتاب شده بود. و در این شرایط می بینید که علیرغم این فشارها و تهاجمات مشاهده میکنی که صفی را شکل میدهد، جریان و افقی را سیمایش را ترسیم میکنند که وقتیکه به مختصاتش نگاه میکنی گویا دارد خودش را بیان و ترسیم میکنند. اگر میخواهی مختصات این صف را توصیف کنی، گویا داری سیمای خودش را بیان میکنی. به قول حمید تقوایی می بینی نمیتوانی منصور حکمت را جدا از جنبش کمونیسم کارگری بطور مجزا ترسیم کنی. اگر میخواهی انسانگرایی این صف را توضیح دهی مثل اینکه باید خودش را توصیف کنی. اگر میخواهی درکش را از کمونیسم و تغییرات انسانی جامعه توضیح دهی مثل اینکه باید رابطه خودش را با فرزندان توضیح دهی. و همه این خصوصیات در هم تنیده میشود و به هم گره میخورند. و آن قدر بهم تنیده میشوند که خودش گویا فشرده ای از این حرکت عظیم اجتماعی میشود. وقتی که نگاه میکنی به نقش منصور حکمت و میپرسی که مگر چکار کرد این بشر در تاریخ؟ پنجاه و چند سال عمر کرد و رفت. بیست سالش که نمیدانست که دارد چه کار میکند؟! باید جواب داد اما ۳۰ سالش را میدانست که چه میخواهد و دارد چکار میکند و مشغول چه کاری است. و در این ۳۰ سال چیزی از خودش بجا گذاشت که تاریخ شکست نخوردگان را شکل داد.

## خیزش مردم در کردستان

### بر مبنای اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

از تاریخ ۱ اوت تا ۳ اوت ۲۰۰۵

اندازی در این محلات تا بعد از نیمه شب هم ادامه داشت.  
فضای شهر امروز به شدت نظامی است و شهرداری و نیروهای انتظامی مشغول جمع آوری شیشه های شکسته و انتقال ماشینهای سوخته و جمع آوری سنگ و پاره آجر و ... بر روی خیابان هستند. به گفته سخنگوی نیروهای انتظامی در سنندج ۵ موتورسیکلت نیروهای انتظامی دیروز به آتش کشیده شد.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۸:

چهارشنبه، ۱۲ مرداد، بیش از ۱۵۰ نفر از خانواده های دستگیر شدگان در مقابل ستاد ناحیه شالمان تجمع کردند.

#### مردم آزاد میخواهند!

همچنان که خبر دارید اکثر دستگیر شدگان در ستاد ناحیه ای شالمان هستند. اخبار حاکی از این است که دیروز و دیشب (۱۱ مرداد، ۲ اوت) حدود ۴۰۰ نفر را دستگیر کرده اند. امروز در مقابل استانداری و ستاد ناحیه ای شالمان خانواده ها تجمع کردند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شدند. علاوه بر شالمان اکثر ایستگاههای مقاومت بسیج در شهر و استانداری امروز محل تجمع خانواده ها بود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم و خانواده های دستگیر شدگان را فرا میخواند که در مقابل استانداری تجمع کنند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیر شدگان اخیر شوند.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۹:

خانواده های دستگیر شدگان سنندج به تجمع خود ادامه میدهند.  
چهارشنبه ۱۲ مرداد ماه (سه اوت) بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای خانواده دستگیر شدگان در مقابل ستاد ناحیه در شلمان سنندج تجمع کردند و خواهان آزادی عزیزانشان شدند. ماموران رژیم سعی کردند مانع تجمع مردم شوند اما موفق به پراکنده کردن مردم نشدند. مردم مسئولین را وادار کردند که به محل تجمع مردم آمده و به مردم توضیح بدهند. یک مقام

صفحه ۵

اوت) در جریان درگیری مردم با نیروهای رژیم اسلامی بیش از ۴۰۰ نفر از مردم که اکثراً جوانان کم سن و سال هستند دستگیر شده اند. اکثر دستگیر شدگان در "ستاد ناحیه در سه راه شالمان" سنندج در بازداشت هستند. تعدادی از دستگیر شدگان به مکانهای نامعلومی برده شده اند. دیشب به دلیل تعداد زیاد دستگیر شدگان و کمبود جا تعدادی در حیاط ستاد ناحیه، شب را به صبح رسانده اند. دیروز در جریان درگیری مردم و نیروهای انتظامی حداقل چهار پاسگاه مقاومت بسیج در هم کوبیده شد. دو پایگاه در صفری مورد حمله قرار گرفت و در هم شکسته شد. پاسگاه میدان نبوت کاملاً منهدم شده است. دیروز از ابتدای درگیری تا پایان درگیری ها تیراندازی متناوب ادامه داشت. ساعت ۱۰ درگیری وسیع تمام شد اما تا ساعت ۱۲ درگیریهای پراکنده در گوشه و کنار شهر ادامه داشت و جوانان در دسته های ۱۰-۱۵ نفره شعار میدادند، به نیروهای انتظامی حمله میکردند، و آتش روشن میکردند و از محل دور میشدند. این جنگ و گریز در مواردی به تیر اندازی انجامید و تا ساعت ۲ بامداد سهشنبه صدای تیر اندازی بطور پراکنده شنیده میشد. تعداد زیادی از مردم زخمی شده اند. بیمارستان بعثت و توحید سنندج مملو از زخمیها است. زخمیهای نیروی انتظامی به مکان دیگری منتقل شده اند. دهها نفر از نیروهای انتظامی هم بر اثر اصابت سنگ و آجر زخمی شده اند. مردم در خیابان نمکی شعار میدادند زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، مرگ بر خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی، و احمدی نژاد، مرگ بر استبداد، مرگ بر جمهوری اسلامی و ...

#### بنا به اطلاعیه شماره ۶:

ابعاد درگیری مردم در شهر سنندج به وسعت کل شهر بود

دارالقرآن خمینی در هم شکسته شد و تابلو این ساختمان همراه پرچم رژیم اسلامی به آتش کشیده شد. جوانان در ناصر خسرو ساختمان دارالقرآن یادگار خمینی را در هم شکستند. تابلو و پرچم رژیم را پایین آوردند و به آتش کشیدند. در ششم بهمن تیراندازی شد و سه نفر از جوانان بر زمین افتادند و نیروهای مسلح آنها را با خود بردند. هنوز خبری از این سه نفر در دست نیست. در این مکان دوماشین پر از جوانان دستگیر شدند. درگیریهای امروز (۱۰ مرداد، ۱ اوت) در محلات و خیابانهای زیر جریان داشت: خیابان اکباتان، وکیل، صفری، ششم بهمن، فرح، ۲۵ شهریور، مردوخ، غفور، محله شریف آباد، چهار راه وکیل، چهار راه سیروس، خیابان تاج، ناصر خسرو، مردوخ، پهلوی سابق، میدان آزادی، میدان انقلاب، آغازمان و ... شعارها در همه محلات: زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر استبداد، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر احمدی نژاد، و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بوده است.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۷:

صدها نفر در سنندج دستگیر شدند

طبق گزارشات رسیده به کمیته کردستان حزب دیروز (۱۰ مرداد، ۱

دولتی به آتش کشیده و یا در هم شکسته شده اند. همچنین بانکها و ادارات دولتی مورد حمله مردم بوده است. اداره مرکزی مخابرات به شدت آسیب دیده است. در دهها خیابان هم اکنون درگیری با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی ادامه دارد. تظاهرات با شعارهای آزادی زندانیان سیاسی و محکوم کردن جنایت مهاباد به تمام شهر در حال گسترش است.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۴:

هزاران نفر از مردم سنندج همچنان در حال تظاهرات و درگیری با نیروهای انتظامی هستند

تمام ماشینهای پارکینگ نیروی انتظامی زیر پل ملاویسی به آتش کشیده شدند. درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی شهر سنندج همچنان به شدت ادامه دارد. تا ساعت ۹ شب که این خبر دریافت شده است تعداد زیادی از جوانان در خیابانها در حال شعار دادن و درگیری با نیروهای مسلح رژیم هستند. در خیابان مردوخ درگیری شدت گرفته است. بخشی از خیابانها در دست مردم است و نیروهای انتظامی فراری داده شده اند. اکثر خیابانها همچنان میدان جنگ و گریز مردم و نیروهای مسلح رژیم است.

#### اطلاعیه شماره ۵:

درود بر مردم سنندج سرح

امروز (۱۰ مرداد، ۱ اوت) شهر سنندج میدان یک جنگ جدی و عمومی علیه جمهوری اسلامی بود. مردم شهر سنندج تمام شهر را به میدان درگیری و زدو خورد علیه سرکوبگران تبدیل کردند. این اعتراض همه گیر جواب درخوری بود به سرکوبگریهای رژیم اسلامی. مردم سنندج در ادامه اعتراضات مهاباد، سردشت، پیرانشهر و اشنویه، به میدان آمدند. این اعتراضات همچنان در حال نضج و اوگیری است.

امروز از پارک استقلال و خیابان حسن آباد و محله غفور ساعت ۷ بعد از ظهر تظاهرات شروع شد. مردم با سر دادن شعارهای آزادی، آزادی، مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد

#### بنا به اطلاعیه شماره یک:

بازار سنندج تعطیل شد، مردم در پارک استقلال تجمع کردند

بر اساس اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، دوشنبه اول اوت برابر ۱۰ مرداد، مردم سنندج در اعتراض به سرکوبگری رژیم اسلامی و برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اخیر شهرهای دیگر از ساعت یک و نیم بعد از ظهر مغازه ها را بستند. تا ساعت چهار و نیم بیش از ۵۰ درصد مغازه ها و بازار بسته شد. ساعت پنج و نیم همه بازار تعطیل گردید. هم اکنون تا رسیدن این اخبار بازار تعطیل و حدود هزار نفر در پارک استقلال تجمع کرده اند. فضای شهر کاملاً نظامی است. هر چند قدم گروهی از نیروهای انتظامی مستقر شده اند.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۲:

درگیری و زدو خورد وسیعی در شهر سنندج شروع شده است

امروز، (۱۰ مرداد برابر با اول اوت) ساعت ۶ بعد از ظهر مردم در پارک استقلال سنندج تجمع کردند. نیروهای انتظامی مردم را در این پارک پراکنده کردند. مردم به خیابانها آمدند و با آتش زدن لاستیک خیابانها را مسدود کردند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند، مرگ بر خامنه ای و خاتمی مرگ بر استبداد و جنایت رژیم در مهاباد و شهرهای دیگر را محکوم میکنیم اعتراض شروع شد. مردم در همه خیابانهای اصلی شهر هم اکنون با نیروهای رژیم اسلامی درگیر هستند. خیابان تاج، فردوسی، میدان اقبال، میدان آزادی، پل ملاویسی، خیابان مردوخ و اکثر خیابانهای دیگر میدان درگیری شدید مردم و نیروهای انتظامی است.

#### بنا به اطلاعیه شماره ۳:

درگیری مردم در سنندج با نیروهای رژیم در تمام کوچه و خیابانها ادامه دارد

در خیابان ناصر خسرو درگیری شدت گرفته است. تمام ماشینهای نیروی انتظامی در آن حواله مورد حمله قرار گرفته و دهها ماشین نظامی و

## ما را در کنار خود بدانید

### اعلام حمایت تعدادی از فعالین کارگری شهرهای مختلف ایران از مبارزات مردم کردستان

خودمان را از طرق مختلف انجام خواهیم داد .

**خانواده های کشته شدگان شهرهای کردستان** ما را در غم از دست دادن عزیزانتان سهیم بدانید، عزیزان شما عزیزان ما هم هستند و امیدواریم عاملین این جنایات که همانا مسئولین جمهوری اسلامی نیز هستند، روزی در دادگاههای مردمی و بین المللی به محاکمه کشیده شده و به سزای اعمال خود برسند. آن روز دور نیست .

**زنده باد آزادی زنده باد برابری  
زنده باد مبارزات انقلابی  
و سرتوگونی طلبانه مردم  
زنده باد انقلاب  
مرگ بر جمهوری اسلامی**

12/5/84

از مبارزات سراسری مردم ایران بر علیه حکومت استبداد سرمایه داری جمهوری اسلامی میدانیم . در این روزهای انقلابی در کردستان، ما را در کنار خود بدانید و مطمئن باشید که در سایر شهرهای ایران نیز، مردم به سته آمده از ظلم و ستم استعمار سرمایه داری، از مبارزات شما و روشهای بغایت پیشرو آن درسها میاموزند و بمانند روزهای انقلابی سال ۵۷ و ۵۸ کردستان را سنگر مهم انقلاب به حساب می آورند.

شما به ما می آموزید که نباید کوچکترین توهمی به این رژیم ددمنش داشت و تنها راه نجات به زیر کشیدن آنست. ما نیز به نوبه خود با اطلاع رسانی و جلب حمایت همگانی دین خود را نسبت به همه دستگیرشدگان مبارزات شهرهای کردستان ادا خواهیم کرد و اعتراض

**مردم مبارز شهرهای کردستان ،  
کارگران کارخانه نساجی شاهو ، زنان ،  
مردان و جوانان شهر سرخ سنندج!**

بدینوسیله ما ، تعدادی از فعالین کارگری از شهرهای مختلف ایران از

- پالایشگاه تبریز
- تراکتورسازی تبریز
- پتروشیمی تبریز
- پتروشیمی اراک
- کارگران خدمات خودرو شهر

ارومیه

- پتروشیمی بندر امام ماهشهر
- پتروشیمی رازی ماهشهر
- کارگران شهرداری ماهشهر
- کارگران شهرداری آبادان

از مبارزات برحق شما در روزهای اخیر در شهرهای مهاباد ، اشنویه ، سردشت ، پیرانشهر ، سنندج و سقز حمایت کرده و مبارزه شما را بخشی

شهرها اعتراض عمومی برای آزادی دستگیرشدگان اخیر را گسترش بدهیم. ما همه مردم را به پیوستن به این مبارزات دعوت کرده و از مردم در همه شهرها دعوت میکنیم که برای آزادی دستگیرشدگان و آزادی همه زندانیان سیاسی به این حرکت بپیوندند.\*

نظامی حکومت با گارد ویژه محافظ خود، به میان مردم رفت و اعلام کرد که تا 72 ساعت دیگر ما "بیگناهان" را آزاد می کنیم و بقیه را محاکمه خواهیم کرد. لازم به توضیح است که تمام منطقه در محاصره نظامیان رژیم بود. از فردا پنجشنبه ۱۳ مرداد ماه در همه

## فراخوان به اعتراض عمومی در همه شهرهای کردستان

### کلیه دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در سنندج و سایر شهرها باید فوراً آزاد شوند!

رژیمی هستند که این کشور را به جهنمی برای اکثریت عظیم مردم تبدیل کرده اند. این عزیزان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند\* خانواده های دستگیر شدگان در

سنندج اعلام کرده اند که روز پنجشنبه در مقابل استانداری و بازداشتگاههایی که فرزندانشان در آنها زندانی هستند تجمع میکنند. حزب مردم مبارز در سنندج را فرامیخواند که با تمام قوا از خانواده های دستگیرشدگان حمایت کنند و با مطالبات زیر اعتراضات خود را گسترش دهند.

\* آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه دستگیرشدگان در همه شهرها \* معرفی و محاکمه قاتلین مردم در مهاباد ، اشنویه، بانه و دیگر شهرها و عاملین تیراندازی و ضرب و شتم مردم \* پایان دادن به فضای نظامی شهرها \* پایان دادن به دستگیری مردم به جرم اعتراض و تجمع

**مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان!** از ۱۸ تیر تا ۱۱ مرداد صدها نفر از جوانان و مردم در شهرهای مختلف دستگیر شده اند. فقط در سنندج بیش از ۴۰۰ نفر دستگیر و بازداشت شده اند. این دستگیریها هر روز وسعت بیشتری پیدا میکند. خانه گردی و دستگیری فعالین در شهرهای کردستان ویژه در سنندج همچنان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی در مقابل خواست برحق شما برای معرفی و محاکمه قاتلین، باز هم به قتل و جنایت خود ادامه داده است. همچنانکه انتظار میرفت شما مردم آزادیخواه کردستان در این مدت با اعتراضات گسترده، بر خواست و مطالبه برحق خود پافشاری کرده اید. در مقابل، جمهوری اسلامی به سرکوب مردم و دستگیری وسیعتر مبادرت کرده است. این سیاستهای جنایتکارانه باید جوابی محکم از مردم بگیرد.

برای مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی باید قاطعانه به میدان بیاییم. دستگیرشدگان، آزادیخواهان و معترضینی هستند که اکثراً در جریان مقابله با تعرض نیروهای رژیم اسلامی دستگیر شده اند. اعتراض حق مردم است. اگر کسی باید محاکمه شود این سران و کاربدهستان

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

## اعلام حمایت جمعی از کارگران پالایشگاه اصفهان از مبارزات کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان

حالت نظامی خارج شود.

**زنده باد مردم آزادیخواه در کردستان  
جمعی از کارگران پالایشگاه اصفهان**

13/5/1384

موقتی و پرداخت تمامی حقوق عقب افتاده و حداقل دستمزد 450 هزار تومان میباشیم و خواهان آزادی و برابری در جامعه می باشیم و این مطالبات همه ما انسانهای زحمت کش در جامعه است و میخواهیم هر چه سریعتر تمام دستگیر شدگان آزاد شوند و وضعیت زندگی مردم از این

بدین وسیله ما حمایت خود را از کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان بخاطر مطالبات انسانیشان اعلام میکنیم و ما در کنار آنها هستیم، در کنار کارگران شاهو، در کنار جوانان و زنان و همه برابری طلبان، ما خواهان عدم اخراج کارگران، لغو تمام قراردادهای

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

**پیروز باد مبارز متعهدانه مردم  
علیه رژیم اسلامی**

**زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی**

**کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران**



## از صفحه ۳ منصور حکمت که بود؟

منصور حکمت، نه به شرایط داده شده زمان خودش بود. بر خلاف ادعای "فاتحین" دوران خودش که میگفتند هر تلاشی برای بهبود و ترقی و پیشرفت تمام شود. و میگفتند خفه شوید و این سرنوشت را بپذیرید. ادعا نداشته باشید، آمال و آرزو نداشته باشید. بی شمر است. مبارزه برای زندگی تمام شده است. همین است که هست، یا بسوزید یا بسازید. این پیام بورژوازی زمان منصور حکمت بود. اما منصور حکمت قبول نکرد. پذیرفت. به این شرایط نه گفت. نه خودش را بیان کرد. پاسخ اش يك ضرورت بود. با قدرت این نه را بیان کرد. شفاف بیان کرد. گوشه ها و تکه هایی از این ضرورت تاریخی را بیان نکرد. تمامیتش را بیان کرد. بنظرم وقتی که بر میگردد و نگاه میکنید و منصور حکمت را ورق میزنید، می بینید که تمامیت تعرض به این وضعیت ضد انسانی را و به هر چیزی که انسانی نیست را بیان میکند. يك رگه فکری را شکل میدهد. به حرکت عظیمی از تاریخ شکل و افق میدهد. رگه ای در سوسیالیسم که انسانگرایی اساسش است. نگاه میکنید، می بینید که بنیانهای جامعه موجود را نمی پذیرد. جامعه ای که شرایط و ابزار تامین نیازهای زندگی و معاش انسانها را به گروگان گرفته است. و تنها زمانی که که سودشان تامین شد، این ابزارها را به کار می اندازند و هر وقت که سودی تولید نشد از کار می اندازند. مالکیت خصوصی بر ابزار معاش و تولید مایحتاج زندگی مردم را قبول نمیکند. به سوسیالیسم اش نگاه میکنید، متوجه میشوید که سوسیالیسم اش متعلق به دنیای آینده های دور دست نیست. پیوند عجیب و جدا ناپذیری با حرکت جاری و روزمره تاریخ دارد. هم اصلاحات و بهبود روزمره را میخواهد هم تغییر بنیادی جامعه را. در عین حال که برای هر ذره بهبودی تلاش میکند، در همان حال دارد سیما و افق تغییراتی را ترسیم میکند که مستلزم دگرگون کردن کل بنیادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه است. حزبیتش را بیان میکند. انترناسیونالیست بودنش را در دنیایی که بعضا اسیر خرافات

ناسیونالیستی و ضد بشری شده است، بیان میکنند. انترناسیونالیست بودنش را که نگاه میکنی متوجه میشوی که از تئوری استنتاج نشده است. انسان است. کلیت و تمامیت انسان است. انسانی که در هر گوشه ای زندگی میکنند. هر شکل و شمایل و زبانی که داشته باشد. و به این اعتبار اگر بخواهید بگوئید که منصور حکمت که بود؟ بنظرم باید بگوئید که يك نیاز بود. نیازی بود که پاسخ داده شد. نیاز و ضرورتی بود که در دوران پر پیچ و تحول تاریخ پاسخ داده شد. و اگر پرسید که اهمیتش چه بود؟ باید بگوئیم که کمونیسم قبل از منصور حکمت چه بود. به قول خودش کیسه بوکس بود که میزدنش. کیسه بوکسی بود که فقط میخورد. کیسه بوکسی بود که آدمهایش باید سر خودشان را قایم میکردند. به گوشه ای میرفتند که بگویند ما نیستیم. ما نبودیم. سرشان را قایم میکردند از اینکه ضربات بیشتری نخورند. سرشان را در زانویشان میگرداند که صدمه بیشتری نبینند. يك کیسه بوکس بود. به قول خودش بهشان میگفتند که میهن را دوست نداری، ناسیونالیسم و عقب مانده ترین تعلقات ضد انسانی را وارد دستگاه فکری خودشان میکردند. بهشان میگفتند که دمکرات نیستی؟ دمکراسی و پارلمان و بازار آزاد و رقابت سرمایه را وارد سیستم فکری خودشان میکردند. بهشان میگفتند که به نقش مذهب کم اهمیت میدهد به یکباره "الهیات" رهاییبخش را پیدا میکردند. این ویژگی ها و گوشه ای از کمونیسم قبل از منصور حکمت بود. بعد به کمونیسم بعد از منصور حکمت نگاه میکنید. می بینید که تمام ابعادش تراشیده شده است. شفاف است. بعدهایش برایتان روشن است. زیر نور قرارش دهید هر بعدش به تنهایی میدرخشد. منصور حکمت آنطور که آذر ماجدی میگوید کار سیاسی را ساده کرد. به نظر به این اعتبار کار سیاسی را ساده کرد که توانست این افق و این چشم انداز را به روشنی در مقابل همگان قرار دهد. به این اعتبار با بررسی کمونیسم قبل از منصور حکمت و

کمونیسم بعد از منصور حکمت به جایگاه منصور حکمت در تاریخ پی میبرید. به همین اعتبار فکر میکنم که "حکمتیسم" بمشابه يك رگه فکری و اجتماعی در تاریخ تحولات معاصر بشری جایگاه معین و غیر قابل انکاری دارد. حکمتیسم و نه به اصطلاح جریانیه که به خودش به دروغ "حکمتیست" میگوید که در واقع تعرضی از راست به حکمت و دستاوردهایش در پوشش "حکمتیست" هستند. تعرضی به جوهر انقلابی و کمونیستی منصور حکمت. حکمتیسم بمشابه يك رگه فکری باید تبیین بشود. در مقایسه با سایر رگه های فکری در کمونیسم باید بیان بشود. باید جنبه ها و جلوه های متعددش شناخته شود و خود منصور حکمت در کنار سایر غولهای فکری که تلاشهای عظیمی در جنبش عظیم کمونیسم کارگری انجام داده اند، مانند مارکس و لنین قرار داده شود. حمید تقوایی گفت که منصور حکمت را باید با غولهای فکری جهان معاصر مقایسه کرد. نکته جالبی است. اگر به مارکس نگاه کنید به دوران مارکس نگاه کنید می بینید که در دورانی بود که روی دوش غولهای فکری زمان خود ایستاده بود. روی شانیه هایشان ایستاد و با قامتی بلندتر افقهای فراتری را دید و بیان کرد. اگر لنین را ببینید مشاهده میکنید که در دورانی فعالیت میکرد که روی آوری به مارکس و جریانات رادیکال چپ و انترناسیونالیست گسترده و همگانی بود. و لنین در این شرایط يك انقلاب عظیم اجتماعی را سازمان میدهد. اما در دوران منصور حکمت هیچکدام از این شرایط نبود. آدمهای سیاسی "کوچکی" بودند که ادعای بزرگ رسیدن به انتهای تاریخ مبارزه طبقاتی و تحولاتش را داشتند. فکر و ایده آل انسانی و مترقی را میخواستند نبود کنند. این به اصطلاح متفکرین زمان مدعی پیشرو بودن و ترقی بودن نداشتند. بر عکس در مقابل تاریخ تلاشهای انسانی ایستاده بود. و به همین اعتبار تنها کسی میتوانست افقهای دور دست را ببیند که خودش قامت بلندی داشته باشد. کسی که بر روی ارتفاعات اخلاقی بلند تری ایستاده باشد تا بتواند مسیر حرکت را

ببیند. منصور حکمت خودش آن قامت بلند تاریخ زمان خودش بود. خلاف جریان بود. شرایط و حرکت سیاسی جامعه در نقطه مقابلش قرار داشت. در دوران مارکس این تفکر که جامعه نسبت به فرد و شرایط زندگی مسئول است، نرم و پذیرفته شده بود. اما در دوران منصور حکمت حرکت "متفکرین" و جامعه بر عکس بود. رهایی فرد را با قرار گرفتن در زیر دست و پای رقابت سرمایه معنا میکردند. و اگر به تاریخ تحولات سیاسی ایران نگاهی بیندازید از گوشه ای میتوانید نقش و تاثیر عمیق کارش را ببینید. ده سال پیش زمانی که در رسانه ها حضور پیدا میکردیم اولین برخورد این بود که گویا يك موجودات به تاریخ بی ربطی را پیدا کرده اند که به سخره اش بگیرند. با تعجب میپرسیدند که شما هنوز هم کمونیست هستید؟ مثل اینکه میپرسیدند شما دیوانه هستید؟ دقیقا میخواستند این را بگویند. با اشاره و بضا مستقیما می گفتند مگر نمی بینید که چه اتفاقی در تاریخ افتاده است؟ الان نگاه کنید. تصویری که الان وجود دارد را بررسی کنید. تفاوت بسیاری کرده است. همان جریانات میگویند که اگر شما نباشید نمیشود. تشریف بیاورید. حتما باید باشید. مدافع دو آتیشه سرمایه و سرمایه داری الان مجبور شده که در رسانه اش بگوید که جامعه فدای ایران آزاد نیست اگر کمونیستها آزاد نباشند. این يك تاثیر کوچک حرکت جنبشی است که منصور حکمت متفکر و سازمانده اش بود. منصور حکمت میگفت زمانی که کمونیسم در بستر اصلی جامعه قرار میگیرد انفجاراتی صورت میگیرد که برای خود ما ناشناخته است. این اتفاق دارد می افتد. و بنظرم تازه این اول کار است. منصور حکمت از میان ما رفت. تعهدی نکرده بود که همیشه بماند. و ما باید به جلو میرفتیم. ما در حال برداشتن گامهای اول حرکتیمان بعد از منصور هستیم. با آموزشهایش به جلو رفتیم. بعضا با آزمون و خطا پیش رفتیم. ولی جلو رفتیم. جنگهایی کردیم و جلو رفتیم. علیرغم مشکلات به جلو رفتیم. حزش را علیرغم تعرض راست حفظ کردیم. پرچمش را برافراشته

نگهداشتیم. منصور حکمت الان این جاست. این حزب منصور حکمت است. گویا خودش این جاست. جای دیگری نیست و دارد به تلاشهای ما نگاه میکند به اتفاقاتی که رخ داده است. می بینی افرادی در کنار این جریان قرار گرفته اند که به علی قسم میخورند که منصور حکمت در کنار شماست؟! و آن حرف منصور حکمت بیاد می آید که حزب بزرگی میشویم که بعضی ها نمیدانند لنین خوردنی است یا پوشیدنی. حزبی که مردم دردمند آن را ابزار تغییر در زندگی خودشان میدانند. و این اتفاق دارد رخ میدهد. کارگری که میگوید شما امید و حرف دل ما هستید. جوانی که امیدش برای آینده این حزب است. زنی که حزب را ابزار نابودی ستمش میدانند. ایکاش بود. ایکاش بود، می دید، ایکاش بود و میدید که چه اتفاقی در تاریخ در شرف وقوع است. و روزی که به ما میگفت زمانیکه جامعه ایران آزاد شود، زمانی که حکم آزادی انسان، حکم لغو اعدام، حکم برابری انسانها، حکم لغو نابرابری زن و مرد، حکم پایان ستم را جامعه اعلام کند، میگفت که بغض گلوی انسان را خواهد فشرده. ما امروز داریم گوشه هایی از این تحول را مشاهده میکنیم. در سومین سالگرد درگذشت منصور حکمت باید گفت که منصور حکمت این جاست. ما باید منصور حکمت را به تاریخ بشناسانیم. با فاصله گرفتن از شخص اش تا بتوانی شخصیت اش، و جایگاهش را به دیگران توضیح دهی. من فکر میکنم که ما کسانی که از نزدیک در کنار منصور حکمت بودیم، در کنارش مبارزه کردیم، ازش آموختیم، ما به تاریخ میدونیم. به منصور حکمت میدونیم. نه بمشابه يك دوست بلکه بمشابه انسانهایی که در يك برهه تاریخی این امکان را داشتیم در کنارش باشیم. ازش آموختیم. ما نمیتوانیم این آموزه ها را برای خودمان نگه داریم. باید در اختیار جامعه بشری قرار دهیم. و بشریت را مجهز به سلاحی بکنیم که او حدادی کرد. منصور حکمت زنده است. در میان ماست. زنده باد منصور حکمت! \*

این نوشته بر اساس سخنرانی ارائه شده تنظیم و ادیت شده است.

## زنده باد همبستگی کارگری

يك وجه مهم حرکت امروز کارگران در مقابل اداره کار سنندج، به نمایش گذاشتن همبستگی کارگری بود. علاوه بر کارگران اخراجی شاهو، همسران و فرزندان آنها، کارگران شاغل شاهو و هیئت هانی از کارگران نساجی کردستان، شین باف در سنندج، خبازان، کارگران تعدادی از خیاطی ها، معلمان، هیئتی از کارگران سقز و برخی مراکز دیگر هم حضور داشتند و کارگران اخراجی شاهو را در این حرکت همراهی میکردند.

کارگران شاهو همانطور که خود در گزارش ۵ مرداد به مردم نوشته اند مبارزات زیادی برای بیرون کشیدن حقوق خود از حلقوم مشتکی انگل سرمایه دار و ادارات مختلف دولتی حامی کارفرما، به پیش برده اند. یکی از اقدامات آنها تلاش مستمر برای مطلع نگهداشتن

جامعه و جلب همبستگی و پشتیبانی سایر مراکز کارگری و مردم سنندج از مبارزات و مطالبات خود بوده است. این تلاش امروز موجب شرکت نمایندگان تعدادی از مراکز کارگری در تجمع آنها شد و این باشکوه ترین وجه این مبارزه است. قدرت ما در اتحاد ما و در همبستگی ما است. همین امروز اگر همسران جسور کارگران و سایر کارگران مراکز دیگر در این تجمع حضور نداشتند و تجمع صرفاً به ۲۸ کارگر اخراجی محدود میماند، نیروهای انتظامی در موقعیت بهتری برای به هم زدن تجمع آنها قرار میگرفتند. کارگر و سرمایه دار دو قطب جامعه اند که منافع کاملاً متفاوتی با هم دارند. یکی استثمار میکند و دیگری استثمار میشود. یکی حاصل کار کارگر را به جیب میزند و دیگری از شمره کار خود محروم میشود. یکی از وضع موجود دفاع میکند و دیگری برای زیر و رو کردن این وضع مبارزه میکند. اعتصاب، تحصن و تجمع و

زنده باد همبستگی کارگری

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مرداد ۱۳۸۴، ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۵

## وقت کارزار میلیونی برای شکستن در زندانهاست

هیچکس نباید بخاطر ابراز عقیده و فعالیت سیاسی اش زندانی شود

خواست آزادی زندانیان سیاسی امروز در گوشه و کنار کشور موج میزند. علاوه بر زندانیان سیاسی ای که سالهای سال است در شکنجه گاهای حکومت اسلامی در بند نگه داشته شده اند، و نام شمار معدودی همچون منوچهر محمدی، اکبر محمدی، اکبر گنجی، سعید ماسوری، احمد باطبی و حجت زمانی برای مردم شناخته شده است، در اعتراضات و مبارزات مردم هرروزه شماری دستگیر و زندانی میشوند. صدها نفر در همین چند ماه گذشته در تظاهراتها و اعتراضات مردم علیه حکومت بازداشت و زندانی گردیده اند. از جمله در اعتراضات حق طلبانه مردم در شهرهای خوزستان، در تهران، در مهاباد و سنندج و اشنویه و مریوان و سردشت تعداد کثیری از مردم دستگیر شده و در زندان بسر میبرند. از سرنوشت بسیاری هیچ خبری در دست نیست.

زندان و شکنجه ابزار مقابله حکومت با فریاد آزادیخواهی و حق طلبی مردم است. این حکومت ادامه حیات جنایتبار خود را مدیون خواست آزادی زندانیان سیاسی امروز در گوشه و کنار کشور است. یک رکن مبارزه ما مردم باید در هم کوبیدن این ابزار و بی اثر کردن آن در دست توحش اسلامی حاکم باشد. این بخشی از مبارزه ما برای به گور سپردن حکومت منحوس اسلامی است. فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را در تمام تجمعات و اعتراضات خویش باید سردهیم. فشار مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید هرروزه روی گرده این حکومت قرار داد. کارزاری میلیونی برای آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی را باید به جریان اندازیم و گسترش دهیم. هرجا تجمع و حرکتی برای آزادی زندانیان سیاسی برپا میشود باید با همراهی و حمایت و پشتیبانی بخشهای هرچه وسیعتری از ما مردم پاسخ بگیرد. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "زنده باد آزادی زنده باد برابری" باید در سراسر ایران به عنوان خواست همه مردم انعکاس یابد. در هر اعتراض بر سر هر خواستی باید از قبل راه مقابله با دستگیریها را نیز اندیشید و برای رها کردن

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زندانی سیاسی آزاد باید گردد  
آزادی برابر حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مرداد ۱۳۸۴ - ۳ اوت ۲۰۰۵

## دولت و کارفرما

### در مقابل کارگران شاهو عقب نشستند

هیئت حل اختلاف به نفع کارگران رای داد

کارفرما هستند کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تبریک این پیروزی، کارگران شاهو را به اتحاد و هشیاری بیشتر فرامیخواند. چنانچه این بار هم بازگشت به کار کارگران عملی نشود لازم است کارگران اقدامات وسیعتر و جدیتری را در دستور خود قرار دهند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۸۴ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۵

کارگران اعلام کرده اند اما تفاوت اینبار با موارد قبلی کتبی بودن و قطعی بودن این توافق است. رای ابقا به کار کارگران اخراجی قطعی محسوب میشود. این توافقنامه به امضا طرفین هئئت مذاکره کننده رسیده است و مسولین خانه کارگر در سنندج این توافقنامه کتبی را از طریق رسانه های داخلی از جمله اینلنا رسماً اعلام کرده اند.

اما با این وجود کارگران به این قول و قرارها اطمینان ندارند. کارگران همچنان آماده برخورد به هر نوع دسیسه و کارشکنی دولت و

بعد از ماهها کشمکش میان کارگران اخراجی شاهو در سنندج از یکطرف و دولت و کارفرما از طرف دیگر بالاخره شبیه ۸ مرداد کارگران با فراخوان تحصن در مقابل اداره کار وارد مذاکره با مقامات دولتی و کارفرما در محل تحصن شدند.

هئئت حل اختلاف طی مذاکره ای نسبتاً طولانی به نفع کارگران رای داد. بر اساس این توافق نامه کارگران از روز دوشنبه به سر کار برمیگردند. با این وجود تا کنون بارها مقامات دولتی و کارفرما چنین توافقاتی را در زیر فشار

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## احمدی نژاد باید دستگیر و محاکمه شود!

مرکز پیگرد سران رژیم به جرم جنایت علیه مردم، از تمامی اشخاص و نهادهایی که دارای اسناد قابل ارائه به دادگاههای بین المللی هستند میخواهد که یک نسخه از این مدارک را در اختیار این مرکز قرار دهند.

تمام سران جنایتکار رژیم اسلامی باید به دست عدالت سپرده شوند.

### علی جوادی

رئیس مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی  
به جرم جنایت علیه مردم!

۳ اوت ۲۰۰۵

Email:  
Ali\_Javadi@yahoo.com  
Tel: 001 310 402 6567

و از اینها بیشتر را میخواهند. مطمئن باشید به نسخه های لیبرال - اسلامی به هیچ قیمتی رضایت نمیدهند. عجلتا بگذارید گنجی آزاد شود. بگذارید کاری کنیم که همه زندانیان سیاسی آزاد شوند. در مورد سیاستها و نظرات گنجی و شرکا مردم قضاوتشان را با صدای رساتری که برای شما هم قابل شنیدن باشد به اطلاعاتتان خواهند رساند. \*

احمدی نژاد رئیس رژیم آدمکشان جمهوری اسلامی، برای شرکت در اجلاس ماه سپتامبر سازمان ملل، عازم نیویورک است.

احمدی نژاد یک تروریست و آدمکش است. در قتل بختیار در پاریس و ترور قاسملو در وین شرکت داشته است. اسنادی قابل ارائه در دادگاههای بین المللی دال بر شرکت او در تیر خلاص زدن به محکوم شدگان در دادگاههای جمهوری اسلامی در سالهای تثبیت رژیم در دست است.

احمدی نژاد باید دستگیر و به جرم شرکت در قتل و ترور و جنایت علیه مردم محاکمه شود. او یک محکوم دادگاه های بین المللی است. باید برای صدور حکم جلب و دستگیری احمدی نژاد توسط مراجع بین المللی اقدام کرد.

حکومت باید برود، آزادی باید به قانون جامعه تبدیل شود، عدالت اجتماعی باید پیاده شود و غیره مهم نیست اما وقتی گنجی میگوید خامنه ای باید برود بخاطر زندانی بودنش جهان باید برایش هورا بکشد و سکان رهبری را بدست ایشان دهد! این کمی زیادی است دوستان! بی شک این بیان شجاعانه ای در زندان رژیم اسلامی است. اما مردم ایران از این بیشتر را گفته اند

به دست ما برسانید.

خانواده ها وظیفه همه مردم است. - مراسم ها را همه جا اعلام کنید، اطلاعیه بدهید و اطلاعیه هایش را همه جا پخش کنید تا مردم از نقاط مختلف بتوانند در آنها شرکت کنند.

- از همه مردم آزادیخواه در سایر شهرها که امکان شرکت در این مراسم ها را ندارند میخواهیم که با ارسال پیام همبستگی خود را با خانواده ها و مردم این شهرها اعلام کنند.

- اسامی و مشخصات جانبختگان را همراه عکس هایشان

بوده است. اما جمهوری اسلامی و هیچ نیرویی حق ندارد گنجی و هیچ کس دیگر را بخاطر ابراز مخالفت و بیان عقایدش به بند بکشد. گنجی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. حکومت

اسلامی حق ندارد کسی را بخاطر نظراتش زندان کند. هیچ حکومتی این حق را ندارد. زندانهای سیاسی نباید وجود داشته باشد. ای کاش همه کسانی که از آزادی گنجی دفاع میکنند همچون مادر منوچهر و اکبر محمدی از آزادی همه زندانیان سیاسی دفاع میکردند. ای کاش اینها کشتار بیرحمانه زندانیان سیاسی در این بیست و شش سال گذشته را صریحا محکوم میکردند و مشاهدات و اطلاعات خود را در این زمینه در اختیار مردم رنجدیده میگذاشتند. ای کاش مثل ما میگفتند آزادی بدون قید و شرط سیاسی باید به قانون اساسی جامعه تبدیل شود و زیر بی قید و شرط خط میکشیدند. و ای کاش خواهان برچیده شدن حکومت مذهبی از جامعه بودند. به دلایل قابل فهمی بیشتر سینه چاکان اکبر گنجی که اساسا همان بقایای دوم خرداد و جریانات لیبرال اسلامی هستند مشغله و هدفشان اینها نیست. اینها میخواهند شرایط وخیم گنجی را دستمایه ای برای جلو کشیدن سیاستهای عقیم و شکست خورده خویش کنند. گویا اینکه مردم در تظاهرات و اعتراضاتشان گفته اند و میگویند آزادی و برابری میخواهند، حکومت مذهبی نمیخواهند، خامنه ای باید برود، کل



## در حاشیه کاظم نیکخواه رویدادها

### ما نمیگذاریم کبرا اعدام شود

گیرنده اند! گویا این میلیونها نفری که میخواهند و مبارزه میکنند که کبرا زنده بماند باید مبارزه خود را بر علیه این خانواده به پیش برند! همه میدانیم که همین مبارزه این میلیونها نفر است که حکومت توحش اسلامی را با کارنامه اعدام و سنگسار قریب صد هزار نفر زن و مرد، ناچار کرده است که خود را با زبونی پشت سر یک خانواده پنهان کند. این مبارزه ماست که باعث شد کبرا از زیر دار در لحظه آخر باز گردانده شود و جلادان "طناب را گم کنند". این بار هم حرف ما مثل مینا احدی اینست که "آنها که حکم اعدام و قصاص داده اند باید حکم را لغو کنند". و این مبارزه ماست که میتواند جلوی این توحش را بگیرد و کبرا را مثل افسانه نوروزی به میان خانواده رنج دیده اش بازگرداند. بشریت متمدن باید علیه مجازات اعدام به طور کلی و اعدام کبرا رحمان پور قاطع تر از قبل بایستد. ما نمیگذاریم و نباید بگذاریم کبرا اعدام شود.

### سرنوشت اکبر گنجی

سرنوشت گنجی و اعتصاب غذای او به موضوعی سیاسی تبدیل شده است. او در آستانه مرگ قرار دارد. گنجی قربانی نظامی است که خود یکی از پایه گذاران و گردانندگان آن

کبرا رحمان پور دوباره در یک قدمی اعدام قرار گرفته است. او را در سراسر ایران و در جهان میلیونها نفر میشناسند. زیرا او به سمبل قربانیان حکومت توحش اسلامی تبدیل شده است. او پرونده میلیونها نفر قربانیان این نظام مرگ و چپاول و توحش و ضد شئون انسانیت را برای همگان گشوده است. او نماینده زنان و مردان سنگسار شده است. او یاد آور درد و رنج و مشقت میلیونها خانواده به فقر کشیده شده است. او نماینده دختران جان به لب رسیده و فراری است. او سمبل موقعیت دردناک دختران در این جامعه پلازده است. او سرنوشت دردناک کودکان بار آمده در این جامعه را با خود حمل میکند. او سمبل و نماینده قربانیان کثیف ترین توحش قرن بیست و یکم است. از همین رو سرنوشت او به موضوع جدال بشریت متمدن با نمایندگان جهل و توحش طبقه سرمایه دار تبدیل شده است. این مهم است که او نجات یابد. میگویند خانواده مقتول رضایت نمیدهند. به حکم قانون قصاص خانواده مقتول میتوانند از قاتل انتقام بگیرند. ظاهرا حکومتیان مسئولیتی در قبال زنده ماندن یا نماندن او ندارند بلکه خانواده مقتول هستند که تصمیم

## یاد جانبختگان را گرامی بداریم

### مردم آزاد یخواه!

در جریان سرکوبگریهای اخیر رژیم اسلامی حدود ۲۰ نفر از جوانان و مردم آزادیخواه و معترض در شهرهای مهاباد، سردشت، اشنویه، سنندج، بانه و سقز بدست نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی جان باختند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به

بزرگداشت این عزیزان، اعلام انزجار و اعتراض به حکومت جنایتکاران و تداوم و گسترش مبارزه علیه این حکومت است.

گرامی یاد یاد جانبختگان  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ مرداد ۸۴، ۴ اوت ۲۰۰۵  
asangan@aol.com  
00491633458007

زندگی بهتر به خاک افتادند و شایسته است مراسم های بزرگداشت آنها هرچه باشکوه تر و بزرگتر برگزار شود.

- عکس های بزرگ جانبختگان را همه جا پخش کنید و بعنوان سند جنایت رژیم اسلامی بر در و دیوار شهرها پچسباند.

- خانواده های جانبختگان را تنها نگذارید، ابراز همدردی با این

خانواده این عزیزان همه مردم را فرامیخواند که در گرامیداشت یاد جانبختگان، بزرگترین مراسم ها را برپا کنند و هرچه گسترده تر در مراسم هایی که به این مناسبت برگزار میشود شرکت کنند. این عزیزان در مبارزه برای رهائی از شر حکومت اسلامی، علیه فقر و بیحقوقی، علیه سرکوب و نابرابری، برای آزادی و برابری و ایجاد یک